

قیمت کتاب در طول برنامه پنجاه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

دکتر عباس حُرّی^۱

چکیده: در طی برنامه پنجاه اول توسعه کلاً ۳۷۰۵۷ عنوان کتاب در ۲۴۹ میلیون نسخه چاپ شده است. قیمت متوسط کتاب در سالهای یاد شده به ترتیب ۱۰۱۲، ۱۰۹۱، ۱۳۶۹، ۱۷۳۱، و ۲۶۷۱ ریال بوده است. شاخص کل قیمتها در سال ۱۳۷۲ نسبت به سال ۱۳۶۸، حدود ۲/۳۵ برابر و برای مواد خوراکی و دخانی ۱/۸۸ برابر افزایش داشته است. در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ قیمت کتاب از شاخص قیمت مواد دخانی و خوراکی بیشتر بوده ولی در سال ۱۳۷۱ این رقم کاهش داشته است. در سال ۱۳۷۲ قیمت کتاب تفاوت چشمگیری با شاخص مواد خوراکی و دخانی داشته است اما در قیاس با شاخص کلی کالاها، قیمت کتاب در سالهای ۶۹ تا ۷۱ پایین تر بوده است. تنها در سال ۱۳۷۲ قیمت کتاب نسبت به شاخص کلی کالاها افزایش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد، ولی در هر حال هر ایرانی در سال به طور متوسط ۱۲۷۳ ریال کتاب خریده است. در مجموع می‌توان گفت قیمت کتاب در قیاس با شاخص کلی قیمت کالاها چندان بالا نیست، ولی در مقیاس فرد ممکن است این قیمتها با توجه به درآمد خریداران کم درآمد نسبتاً گران بنماید.

مقدمه

کتاب و کتابسازی در فرهنگ ما سنتی دیرینه دارد؛ هم از لحاظ دینی قداست داشته و هم از نظر فرهنگی حاکی از منزلت و مرتبه والای اجتماعی بوده است. حضور همین عوامل دینی و دنیوی خود سبب توجه روزافزون به کتاب گردیده و سبب شده است که حرفه‌ها و پیشه‌هایی مرتبط با این پدیده نضج و رونق گیرد. وژاقی، وصالی، جلد سازی، کتاب‌آرایی، کتابت، و هنرها و فنونی از این نوع که قرن‌ها دوام آورده و آثار آنها هنوز هم در صنعت نشر امروز ما باقی است،

۱. مدیر گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

نمونه‌هایی از فعالیتهای ناظر بر کتاب بوده است.

نیاز به تهیه نسخه‌های متعدد از یک اثر رفته‌رفته در طول زمان سبب شد که تیروهایی در مراحل گوناگون کتابسازی به کار گمارده شوند و این خود ناگزیر منجر به ارزشگذاری مادی هر نسخه از کتاب گردید. طبیعی است که قیمت هر نسخه، از سر جمع دستمزدها و هزینه مواد و مصالحی حاصل می‌آمد که به یک اثر تعلق می‌گرفت؛ جریانی که امروز نیز کم و بیش در مورد ارزشگذاری مادی یک اثر طی می‌شود.

ظهور چاپ سبب شد که ارزشگذاری مادی کتاب به‌طور جدی‌تری مورد توجه قرار گیرد. خصوصاً تولید انبوه کتاب، این کالا را نیز - در کنار سایر کالاهای تولیدی - دستخوش تحولات فنی و اقتصادی ساخت. نوسان قیمت‌های مربوط به ارائه خدمات، دستگاهها و تجهیزات چاپ و آماده‌سازی، مواد و مصالح پایه جملگی در جمع هزینه‌های تولید کتاب و سرانجام قیمت نهایی برای خریدار کتاب اثر نهاد. بدین ترتیب، کتاب - صرف‌نظر از ارزش معنوی آن - به مثابه کالایی که سرمایه‌گذاری، بازاریابی، و توزیع برای بازگشت به موقع سرمایه و کسب سودی مناسب نقشی تعیین‌کننده در حفظ چرخه حیات آن دارد، در اقتصاد خرد و کلان جامعه اهمیتی بسزا یافت.

بیان مسئله

یکی از نکاتی که در کتابها و مطبوعات پیوسته به آن اشاره می‌شود مسئله گرانی کتاب در عرصه نشر ایران است. عامل گرانی کتاب حتی در سایر حوزه‌های مرتبط با کتاب نیز به عنوان عاملی تعیین‌کننده مطرح می‌شود. به طور مثال، دلیل کم‌خوانی کتاب و نبودن عادت مطالعه در میان اقشار گوناگون جامعه را با قیمت کتاب مرتبط می‌دانند^(۱). اینکه نبودن یا کم بودن عادت کتابخوانی تا چه حد می‌تواند متأثر از قیمت کتاب باشد خود مقوله دیگری است، لیکن آنچه شایان بررسی است نفس ادعای گرانی کتاب است. گرانی یا ارزانی و کلاً قیمت هر کالا را نمی‌توان به‌طور مجرد ارزشگذاری کرد، بلکه باید آن را در قیاس با هزینه سایر کالاها و با توجه به درآمد سرانه و سایر شاخصهای اقتصادی سنجید. کتاب نیز از این مقوله مستثنی نیست.

هدف و اهمیت بررسی

هدف بررسی حاضر کشف میزان ارزانی یا گرانی قیمت کتاب در قیاس با سایر کالاها و درآمد سرانه در یک دوره زمانی معین در ایران است. کتابهای فارسی منتشر شده در طول برنامه پنجساله اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲) به دلیل تعریف‌پذیری بودن برنامه‌ریزیها و برآوردهای اقتصادی و نیز به سبب آنکه عملکرد آن در زمان انجام این بررسی مورد ارزیابی مسئولان کشور قرار گرفته

برگزیده شده است.

اهمیت این مطالعه نیز از آن روست که یافته‌های آن - هرچه باشد - می‌تواند در برنامه‌ریزیهای اقتصادی، سیاست‌گذاری‌های نشر، مجموعه‌سازی کتابخانه‌ها، یا تصمیم درباره خرید یا تهیه کتاب توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی مد نظر قرار گیرد.

پرسشهای اساسی

به منظور دست‌یافتن به پاسخ مناسب درباره مسئله مورد پژوهش، لازم بود سؤالات مشخصی مطرح شود تا بتوان از طریق جمع‌بندی پاسخهای کسب شده برای آن پرسشها به پاسخی کلی دست یافت. این پرسشها بدین قرار است:

۱. توزیع انتشارات در حوزه‌های مختلف موضوعی در دوره پنجاهه اول چگونه بوده است؟
۲. تیراژ متوسط کتابها در هر سال و در گروه‌های موضوعی مختلف چه وضعی داشته است؟
۳. قیمت کتابها در حوزه‌های موضوعی چگونه بوده و چه تحولی در طول این دوره پنجاهه داشته است؟
۴. وضع کلی عناوین، تیراژ، و قیمت کتاب در دوره برنامه پنجاهه اول چگونه بوده است؟
۵. قیمت کتاب چه رابطه‌ای با قیمت سایر کالاها در همین دوره زمانی داشته است؟
۶. قیمت کتاب چه نسبتی با درآمد متوسط جمعیت در طول دوره پنجاهه داشته است؟

روش کار

کتابهای منتشر شده فارسی در ایران توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیابندی به نام کتابنامه^(۲) به صورت ادواری منتشر می‌شود که سند رسمی ارگان مشور نشر کتاب در کشور است. گرچه ممکن است اطلاعات مربوط به برخی انتشارات دولتی به دلایلی به این سند راه نیابند، لیکن جامعترین منبعی است که انتشارات کشور را منعکس می‌سازد. نبود یا کمبود اطلاعات مربوط به انتشارات دولتی نقش تعیین‌کننده‌ای بر نتایج کار نخواهد گذاشت. بنابراین، در بررسی حاضر تکیه بر داده‌های این سند بوده است.

از کتابنامه‌های مربوط به دوره مورد نظر (۱۳۶۸-۱۳۷۲) به دقت فیش برداری گردید و سپس فیش‌ها با توجه به پرسشهای اساسی پژوهش، هر بار تنظیم مجدد شد و داده‌های مربوط استخراج و سپس در جداول پیش‌بینی شده درج گردید. مبنای دسته‌بندی موضوعی انتشارات، رده‌بندی دهدهی دیویی بوده که کتابنامه نیز از آن تبعیت کرده است. غرض از قیمت کتاب،

قیمتی است که روی جلد یا جایی در کتاب منعکس شده باشد.
در محاسبات بررسی حاضر، اقساها و نیز چاپهای مختلف قرآن کریم محاسبه نگردیده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآمده از دوره پنجساله کتابنامه (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) را می‌توان با توجه به پرسشهای اساسی طرح شده در این بررسی به شرح زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

۱. توزیع موضوعی انتشارات

طبق داده‌های جدول ۱، در سال ۱۳۶۸، یعنی نخستین سال از برنامه پنجساله اول، کلاً ۷۷۲۴ عنوان کتاب (اعم از تألیفی یا ترجمه‌ای و چاپ اول یا غیر آن) منتشر شده که طبق جدول ۱ در ده حوزه موضوعی و یک حوزه کودکان و نوجوانان پراکنده بوده است. بالاترین سهم انتشارات در این سال (۱۹ درصد) متعلق به خواندنیهای کودکان و نوجوانان بوده است. در حوزه‌های موضوعی، بالاترین درصد متعلق به "دین" (۱۷/۵ درصد) و پایین‌ترین آنها متعلق به "کلیات" (۲ درصد) بوده است.

جدول ۱. توزیع موضوعی کتب منتشرشده در سالهای ۱۳۶۷ - ۱۳۷۲

موضوع	سال		۱۳۶۸		۱۳۶۹		*۱۳۷۰		۱۳۷۱		۱۳۷۲		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کلیات	۱۶۷	۲	۱۸۹	۲	۱۷۰	۳	۳۳۷	۴	۳۰۱	۴	۱۱۶۴	۳	
فلسفه و روانشناسی	۲۸۰	۴	۲۴۱	۳	۲۱۷	۴	۴۴۹	۶	۲۹۸	۴	۱۴۸۵	۴/۲	
دین	۱۳۵۱	۱۷/۵	۱۵۴۲	۱۹	۶۸۹	۱۳	۱۰۱۵	۱۳	۱۱۵۴	۱۴	۵۷۵۱	۱۵/۴	
علوم اجتماعی	۴۸۳	۶	۶۱۷	۷/۵	۴۶۹	۹	۶۷۵	۹	۹۲۷	۱۱	۳۱۷۱	۸/۵	
زبان	۶۳۰	۸	۶۲۱	۷/۵	۴۵۱	۸	۶۲۹	۸	۶۹۰	۸	۳۰۲۱	۷/۹	
علوم خالص	۳۸۳	۵	۳۷۸	۵	۲۵۳	۵	۳۹۹	۵	۳۷۷	۵	۱۷۹۰	۵	
علوم عملی	۹۵۹	۱۲/۵	۹۲۱	۱۱	۷۰۵	۱۳	۹۷۵	۱۳	۹۸۱	۱۲	۴۵۴۱	۱۲/۳	
هنر	۳۱۰	۴	۳۷۷	۴/۵	۲۵۴	۵	۴۱۶	۵	۴۳۷	۵	۱۷۹۴	۴/۸	
ادبیات	۱۲۹۳	۱۷	۱۵۹۹	۱۹/۵	۱۰۲۱	۱۹	۱۵۵۹	۲۰	۱۴۶۷	۱۸	۶۹۳۹	۱۸/۷	
تاریخ و جغرافیا ...	۴۱۲	۵	۴۵۷	۶	۳۰۷	۶	۴۵۵	۶	۴۱۵	۵	۲۰۴۶	۵/۶	
کودکان و نوجوانان	۱۴۵۶	۱۹	۱۲۶۹	۱۵	۸۲۶	۱۵	۶۸۶	۱۵	۱۱۱۸	۱۴	۵۳۵۵	۱۴/۶	
جمع	۷۷۲۴	۱۰۰	۸۲۱۱	۱۰۰	۵۳۲۲	۱۰۰	۷۵۹۵	۱۰۰	۸۱۶۵	۱۰۰	۳۷۰۵۷	۱۰۰	

در سال ۱۳۶۹، بالاترین درصد عناوین منتشر شده در حوزه‌های موضوعی متعلق به "ادبیات" (با ۱۹/۵ درصد) و سپس "دین" (با ۱۹ درصد) بوده است. کمترین سهم انتشارات در این سال به "کلیات" (۲ درصد) و سپس به "فلسفه و روانشناسی" (۳ درصد) اختصاص داشته است. حوزه کودکان و نوجوانان با ۱۵ درصد، مرتبه سوم را احراز کرده است.

در سال ۱۳۷۰ نیز مجدداً بالاترین درصد عناوین منتشره (۱۹ درصد) متعلق به حوزه موضوعی "ادبیات" است. حوزه‌های موضوعی "دین" و "علوم عملی" در مرتبه برابر (۱۳ درصد) پس از "خواندنیهای کودکان و نوجوانان" (۱۵ درصد) در مرتبه سوم قرار می‌گیرند. پایین‌ترین سهم در این سال نیز به ترتیب به "کلیات" (۳ درصد) و "فلسفه و روانشناسی" (۴ درصد) اختصاص داشته است.

در سال ۱۳۷۱، ادبیات با ۲۰ درصد مرتبه نخست را احراز کرده و سپس "دین" و "علوم عملی" (با سهم برابر ۱۳ درصد) در مرتبه دوم قرار داشته‌اند. پایین‌ترین درصد متعلق به "کلیات" (با ۴ درصد) و سپس "علوم خالص" و "هنر" (با سهم برابر ۵ درصد) بوده است. حوزه "خواندنیهای کودکان و نوجوانان" ۱۰ درصد انتشارات این سال را به خود اختصاص داده است.

در سال ۱۳۷۲، یعنی آخرین سال برنامه پنجساله اول، باز هم بالاترین سهم انتشارات به حوزه "ادبیات" (۱۸ درصد) اختصاص داشته است. پایین‌ترین درصد متعلق به دو حوزه موضوعی "کلیات" و "فلسفه و روانشناسی" (با سهم مساوی ۴ درصد) بوده است. حوزه خواندنیهای کودکان و نوجوانان با ۱۴ درصد سهم انتشارات دومین مرتبه در کل انتشارات این سال را به خود اختصاص داده است.

مروری بر وضعیت نشر این دوره پنجساله نشان می‌دهد که از میان ۳۷۰۵۷ کتاب منتشر شده، بیشترین سهم کلی (۱۸/۷ درصد) متعلق به حوزه "ادبیات" و سپس "دین" (۱۵/۴ درصد) بوده است. پایین‌ترین سهم انتشارات نیز به "کلیات" (۳ درصد) و سپس به "فلسفه و روانشناسی" (۴/۲ درصد) تعلق داشته است. سهم خواندنیهای کودکان و نوجوانان از کل انتشارات ۱۴/۶ درصد بوده است.

۲. میانگین تیراژ

در طول برنامه پنجساله اول، طبق جدول ۲، کلاً ۲۴۸۹۵۶۸۵۹ نسخه کتاب در کشور منتشر شده که به ترتیب ۵۵۸۰۱۱۱۰ نسخه (در سال ۱۳۶۸)، ۵۶۱۷۰۴۷۴ نسخه (در سال ۱۳۶۹)، ۵۲۵۸۵۱۹۰ نسخه (در سال ۱۳۷۰)، ۴۷۶۳۵۱۶۰ نسخه (در سال ۱۳۷۱)، و ۵۲۵۸۵۱۹۰

نسخه (در سال ۱۳۷۲) را به خود اختصاص داده است.

بالاترین تیراژ کتاب در تمام این پنج سال پیوسته متعلق به حوزه خواندنیهای کودکان و نوجوانان بوده که کمترین آن به سال ۱۳۷۲ (با میانگین ۱۴۹۰۶ نسخه) و بیشترین آن به سال ۱۳۶۹ (با میانگین ۱۷۳۰۶ نسخه) تعلق داشته است. اما وضعیت تیراژ در حوزه‌های موضوعی در طول این سالها متفاوت بوده است.

در سال ۱۳۶۸، بالاترین تیراژ متوسط متعلق به حوزه "تاریخ و جغرافیا" (با ۶۶۲۵ نسخه) و سپس "دین" (با ۵۹۰۵ نسخه) بوده است. پایین‌ترین تیراژ در این سال به "کلیات" (با ۳۱۰۲ نسخه) و سپس به "علوم اجتماعی" (با ۳۹۲۳ نسخه) اختصاص داشته است. میانگین تیراژ کتاب در سال ۱۳۶۸، بدون احتساب حوزه خواندنیهای کودکان و نوجوانان، ۴۷۱۶ نسخه بوده است.

در سال ۱۳۶۹، بالاترین تیراژ کتابهای منتشر شده متعلق به حوزه موضوعی "دین" (با ۵۵۶۷ نسخه) و سپس "زبان" (با ۵۵۵۹ نسخه) و در مرتبه سوم "ادبیات" (با ۵۲۴۳ نسخه) بوده است. پایین‌ترین میزان تیراژ در این سال به حوزه "کلیات" (با ۲۷۷۸ نسخه) و سپس "فلسفه و روانشناسی" (با ۳۹۸۱ نسخه) تعلق داشته است. میانگین تیراژ حوزه‌های موضوعی در سال ۱۳۶۹، کلاً ۴۵۹۷ نسخه بوده است.

جدول ۲. میانگین تیراژ کتاب در سالهای ۶۸ تا ۷۲ (به نسخه)

موضوع	سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	میانگین کل
کلیات	۳۱۰۲	۲۷۷۸	۳۵۳۲	۴۶۱۲	۴۰۴۸	۳۶۱۴	
فلسفه و روانشناسی	۴۴۸۲	۳۹۸۱	۴۱۷۶	۳۷۰۶	۴۱۹۲	۴۱۰۷	
دین	۵۹۰۵	۵۵۶۷	۷۰۷۰	۶۰۵۱	۶۳۴۸	۶۱۸۸	
علوم اجتماعی	۳۹۲۳	۴۲۲۰	۴۶۶۲	۵۶۵۱	۵۵۰۸	۴۷۹۳	
زبان	۴۷۷۶	۵۵۵۹	۵۷۰۸	۵۲۹۸	۵۴۳۹	۵۳۵۶	
علوم خالص	۴۵۷۱	۴۶۵۶	۴۷۵۴	۵۰۸۰	۴۶۳۷	۴۷۴۰	
علوم عملی	۴۵۲۵	۴۲۰۶	۴۵۱۳	۴۶۲۲	۴۷۳۳	۴۵۲۶	
هنر	۴۴۰۹	۴۹۲۲	۵۸۷۲	۶۴۸۱	۵۲۸۴	۵۳۹۳	
ادبیات	۴۸۴۱	۵۲۴۳	۴۷۳۸	۵۱۲۷	۴۵۳۵	۴۸۹۷	
تاریخ و جغرافیا و سرگذشتنامه	۶۶۲۵	۴۸۳۸	۵۲۱۱	۵۵۵۴	۴۵۲۷	۵۳۴۹	
کودکان و نوجوانان	۱۶۹۶۴	۱۷۳۰۶	۱۶۱۱۷	۱۶۵۹۲	۱۴۹۰۶	۱۶۳۷۷	
میانگین کل با کودکان	۵۸۲۹	۵۷۵۲	۶۰۳۲	۶۲۵۱	۵۸۳۵	۵۹۴۰	
میانگین کل بی کودکان	۴۷۱۶	۴۵۹۷	۵۰۳۳	۵۲۱۷	۴۹۲۸	۴۸۹۶	

در سال ۱۳۷۰، حوزه دین با ۷۰۷۰ نسخه بالاترین میزان تیراژ را به خود اختصاص داده است. حوزه "هنر" (با ۵۸۷۲ نسخه)، "زبان" (با ۵۷۰۸ نسخه)، و "تاریخ و جغرافیا" (با ۵۲۱۱ نسخه) به ترتیب در مراتب بعدی قرار دارند. در این سال نیز پایین‌ترین تیراژ به ترتیب متعلق به "کلیات" (با ۳۵۳۲ نسخه) و سپس "فلسفه و روانشناسی" (با ۴۱۷۶ نسخه) بوده است. متوسط تیراژ حوزه‌های موضوعی در این سال ۵۰۲۳ نسخه بوده است.

داده‌های سال ۱۳۷۱ حاکی از پیدایش نوعی دگرگونی در وضعیت تیراژ کتابهاست. بالاترین تیراژ در این سال از آن حوزه هنر (با ۶۴۸۱ نسخه) بوده و "دین" (با ۶۰۵۱ نسخه) در مرتبه بعدی قرار داشته است. تیراژ هفت حوزه از ده حوزه موضوعی بالاتر از ۵۰۰۰ نسخه بوده است. در این سال پایین‌ترین میزان تیراژ (۳۷۰۶ نسخه) به حوزه "فلسفه و روانشناسی" تعلق داشته و "کلیات" (۴۶۱۲ نسخه) و "علوم عملی" (۴۶۲۲ نسخه) با اختلاف اندکی به ترتیب پس از آن قرار دارند. میانگین تیراژ کتاب در سال ۱۳۷۱، کلاً ۵۲۱۷ نسخه بوده است.

در سال ۱۳۷۲، یعنی آخرین سال برنامه پنجاهه اول، بالاترین تیراژ به حوزه "دین" (با ۶۳۴۸ نسخه) اختصاص داشته و "علوم اجتماعی" (با ۵۵۰۸ نسخه) و "زبان" (با ۵۴۳۹ نسخه) به ترتیب در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند. پایین‌ترین تیراژ متعلق به "کلیات" (۴۰۴۸ نسخه) بوده است. تیراژ متوسط کتاب در این سال ۴۹۲۸ نسخه بوده است.

مروری بر داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که تیراژ کتاب از سال ۱۳۶۸ کم و بیش سیری صعودی داشته و تنها در سال ۱۳۷۲ کاهش نسبی یافته است.

میانگین تیراژ حوزه‌های موضوعی در طول پنج سال مورد بررسی حاکی از آن است که به ترتیب دین، هنر، زبان، و تاریخ و جغرافیا مراتب اول تا چهارم را به خود اختصاص داده‌اند و "کلیات" کمترین میانگین تیراژ را داشته است.

متوسط تیراژ کتاب در طول برنامه پنجاهه را هرگاه بدون حوزه خواندنیهای کودکان و نوجوانان محاسبه کنیم ۴۸۹۶ نسخه بوده یعنی به ۵۰۰۰ نسخه نرسیده است. اختلاف ۱۰۴۴ نسخه (مابه‌التفاوت تیراژ با احتساب خواندنیهای کودکان و نوجوانان و بدون آن) در میانگین دو تیراژ کلی این پنج سال حاکی از آن است که حضور این حوزه در سر جمع انتشارات تا چه پایه در تعیین و محاسبه تیراژ کتاب در ایران مؤثر است.

۳. قیمت کتاب

طبق جدول ۳، در مدت پنج سال مورد بررسی - یعنی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ - قیمت کتابهای منتشر شده کلاً به ۳۰۳۵۵۱۳۷۲۲۰۰ ریال بالغ گردیده است. توزیع این مبلغ به ترتیب

۳۸۷۱۴۶۷۶۳۵۰ ریال (برای سال ۱۳۶۸)، ۴۲۹۹۵۲۳۸۰۰۰ (برای سال ۱۳۶۹)، ۸۲۴۸۱۹۸۰۶۰۰ (برای سال ۱۳۷۰ بدون احتساب زمستان این سال)، ۳۶۳۸۲۴۱۰۹۵۰ ریال (برای سال ۱۳۷۱)، و ۱۰۲۹۷۷۰۶۶۳۰۰ ریال (برای سال ۱۳۷۲) بوده است.

پایین ترین قیمت در کل این پنج سال متعلق به حوزه خواندنیهای کودکان و نوجوانان (۳۲۲ ریال) بوده است. بنابراین، در تحلیل حاضر تنها حوزه های موضوعی مورد اشاره و مقایسه قرار می گیرند (جدول ۳).

در سال ۱۳۶۸ بالاترین قیمت متوسط متعلق به "علوم عملی" (۱۳۸۹ ریال) و سپس "علوم خاص" (۱۲۲۰ ریال) بوده است. پایین ترین قیمت به ترتیب به حوزه "دین" (با ۸۷۹ ریال و سپس "زبان" (با ۹۴۷ ریال) اختصاص داشته است. میانگین قیمت کتاب در این سال ۱۰۱۲ ریال بوده است.

جدول ۳. قیمت متوسط کتاب در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ (به ریال)

موضوع	سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	متوسط کل
کلیات		۱۱۹۷	۱۲۲۲	۱۷۱۴	۱۹۷۶	۲۸۰۲	۱۷۹۰
فلسفه و روانشناسی		۱۰۳۳	۱۱۰۸	۱۲۵۵	۱۷۳۴	۵۱۷۵	۲۰۶۱
دین		۸۷۹	۸۳۵	۹۷۸	۱۵۷۰	۱۶۰۱	۱۱۷۳
علوم اجتماعی		۱۰۱۹	۱۰۲۸	۱۵۴۳	۲۳۸۷	۲۸۸۸	۱۷۵۳
زبان		۹۴۷	۷۳۳	۱۳۰۴	۱۷۱۲	۱۹۲۶	۱۳۲۴
علوم خالص		۱۲۲۰	۱۵۴۳	۱۸۸۵	۳۲۴۵	۲۷۷۹	۲۱۳۴
علوم عملی		۱۳۸۹	۱۲۵۸	۱۶۶۸	۲۳۱۰	۲۹۶۹	۱۸۷۹
هنر		۱۰۵۷	۱۰۸۳	۱۲۳۹	۲۲۰۶	۲۶۸۴	۱۶۵۴
ادبیات		۱۲۰۸	۱۲۶۶	۱۴۷۸	۲۱۱۷	۳۰۲۳	۱۸۱۸
تاریخ و جغرافیا		۹۷۵	۱۶۵۵	۱۹۱۲	۳۳۱۴	۳۰۲۳	۲۱۷۳
کودکان و نوجوانان		۲۰۹	۲۲۹	۲۸۰	۳۷۱	۵۲۱	۳۲۲
متوسط کل		۱۰۱۲	۱۰۹۱	۱۳۶۹	۱۷۳۱	۲۶۷۱	۱۵۷۵

در سال ۱۳۶۹، بالاترین قیمت متوسط به حوزه "تاریخ و جغرافیا" (با ۱۶۵۵ ریال) و سپس "علوم خاص" (با ۱۵۴۳ ریال) تعلق داشته است، و حال آنکه کمترین میانگین قیمت از آن "زبان" (با ۷۳۳ ریال) و سپس "دین" (با ۸۳۵ ریال) بوده است. قیمت متوسط کتاب در این سال بالغ بر ۱۰۹۱ ریال بوده است.

در سال ۱۳۷۰، بالاترین میانگین قیمت به حوزه "تاریخ و جغرافیا" (با ۱۹۱۲ ریال) و سپس

قیمت کتاب در طول برنامه پنجساله اول توسعه / ۱۷

به ترتیب "علوم خاص" (۱۸۸۵ ریال)، و "کلیات" (۱۷۱۴ ریال) اختصاص داشته است. پایین‌ترین قیمت در این سال نیز متعلق به "دین" (۹۷۸ ریال) بوده است. میانگین قیمت کتاب در این سال ۱۳۶۹ ریال بوده است.

در سال ۱۳۷۱، مجدداً بالاترین قیمت متوسط کتاب به "تاریخ و جغرافیا" (۳۳۱۴ ریال) و سپس "علوم خالص" (۳۲۴۵ ریال) و در مرتبه بعدی "علوم عملی" (۲۳۱۰ ریال) تعلق داشته است. پایین‌ترین قیمت نیز متعلق به "دین" (۱۵۷۰ ریال) و سپس "زبان" (۱۷۱۲ ریال) بوده است. قیمت متوسط کتاب در سال ۱۳۷۱ به ۱۷۳۱ ریال افزایش یافته است.

در سال ۱۳۷۲، بالاترین قیمت متعلق به "فلسفه و روانشناسی" (۵۱۷۵ ریال) بوده است و "ادبیات" (۳۰۲۳ ریال) و "تاریخ و جغرافیا" (۳۰۱۰ ریال) به ترتیب در مراحل بعدی قرار دارند. پایین‌ترین قیمت در این سال به حوزه "دین" (با ۱۶۰۱ ریال) و "زبان" (با ۱۹۲۶ ریال) تعلق داشته است. میانگین کلی قیمت کتاب در سال ۱۳۷۲ به ۲۶۷۱ ریال بالغ گشته است.

۴. وضع کلی عناوین، تیراژ، و قیمت

همان‌گونه که از جدول ۴ برمی‌آید، تعداد عناوین منتشر شده در طی پنج سال برنامه اول تفاوت چشمگیری نداشته و تیراژ کتابها نیز کمابیش روند یکسانی را پیموده است. اما قیمت کتاب رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد؛ به طوری که قیمت متوسط کتاب در سال ۱۳۷۲ نسبت به سال ۱۳۶۸ نزدیک به ۱۶۴ درصد افزایش داشته است.

جدول ۴. وضعیت کلی عناوین، تیراژ، و قیمت کتاب در سالهای ۶۸ تا ۷۲

سال	وضعیت	تعداد عنوان	تیراژ متوسط (نسخه)	قیمت متوسط (ریال)
۱۳۶۸		۷۷۲۴	۵۸۲۹	۱۰۱۲
۱۳۶۹		۸۲۱۱	۵۷۵۲	۱۰۹۱
۱۳۷۰		۵۳۶۲	۶۰۳۲	۱۳۶۹
۱۳۷۱		۷۵۹۵	۶۲۵۱	۱۷۳۱
۱۳۷۲		۸۱۶۵	۵۸۳۵	۲۶۷۱
کل		۳۷۰۵۷	۵۹۴۰	۱۵۷۵

هرگاه تیراژ متوسط سالهای مختلف، خصوصاً دو سال اول و آخر برنامه پنجساله را با یکدیگر مقایسه کنیم درمی‌یابیم که افزایش قیمت کتاب تأثیری از وضعیت تیراژ آن نپذیرفته است؛ زیرا با وجود ثابت بودن تیراژ، قیمت به گونه‌ای غیر منتظره افزایش یافته است. بنابراین،

افزایش قیمت کتاب را باید با وضع کلی اقتصاد کشور مرتبط دانست. بالا رفتن قیمت مواد و مصالح پایه نظیر کاغذ، فیلم و زینک، مرکب چاپ، و مانند آن، و نیز افزایش هزینه خدمات در مراحل مختلف کار را می توان از جمله عوامل دخیل در رشد روزافزون قیمت کتاب در سالهای مورد بررسی به شمار آورد.

۵. رابطه قیمت کتاب با سایر کالاها

طبق آمارهای منتشره، شاخص کالاها در فاصله سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ رشد قابل ملاحظه ای را نشان می دهد. طبق داده های جدول ۵، شاخص کل کالاها در سال ۱۳۷۲ نسبت به سال ۱۳۶۸، حدود ۲/۳۵ برابر افزایش داشته است. این نسبت برای شاخص مواد خوراکی و دخانی در همین سالها ۱/۸۸ برابر بوده است.

حال اگر قیمت متوسط کتاب در همین دوره پنجساله یا شاخصهای اقتصادی پیشگفته مقایسه شود می توان تا حدودی قیمت نسبی کتاب را مورد سنجش قرار داد.

جدول ۵. مقایسه شاخصهای کل کالاها و مواد خوراکی و دخانی در نقاط شهری در سالهای ۶۸ تا ۷۲

سال پایه ۱۰۰ = ۱۳۶۱

شاخصها	سال	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲
شاخص کل کالاها		۲۹۱/۹	۳۶۱/۷	۴۶۳/۵	۶۰۵/۸	۶۸۷
شاخص مواد خوراکی		۲۹۴/۱	۳۱۳/۸	۳۸۴/۹	۴۹۵/۵	۵۵۲/۲

مأخذ: سالنامه آماری کشور ۱۳۷۱ (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۲)، ص ۵۲۲

قیمت واقعی کتاب، طبق جدول ۴، روندی را پیموده که حاکی از افزایش مستمر آن بوده است. حال اگر قیمت متوسط کتاب در هر یک از سالهای مورد بررسی را با شاخصهای همان سال (جدول ۵) تطبیق دهیم، به قیمتهایی فرضی دست می یابیم که می توانست در چارچوب آن شاخصها تعیین گردد. این قیمتهای فرضی مبنای مناسبی برای سنجش ارزانی یا گرانی کتاب در قیاس با سایر کالاها شمرده می شود. به بیان دیگر، درمی یابیم که هرگاه قیمت کتاب با ملاکهای مربوط به قیمت سایر کالاها افزایش یا کاهش می یافت، میانگین قیمت کتاب در هر سال چه رقمی می شد.

همانگونه که از جدول ۶ برمی آید در سال ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ قیمت کتاب از شاخص قیمت مواد خوراکی و دخانی بیشتر بوده ولی در سال ۱۳۷۱ این رقم کاهش داشته است؛ زیرا اگر جز این

قیمت کتاب در طول برنامه پنجساله اول توسعه / ۱۹

می بود باید عدد تطبیقی کمتر از عدد واقعی می شد. در سال ۷۲، قیمت کتاب تفاوت چشمگیری با شاخص مواد خوراکی داشته است. اما در قیاس با شاخص کلی کالاها، قیمت کتاب در سالهای ۶۹، ۷۰ و ۷۱ پایین تر بوده است. تنها در سال ۱۳۷۲ قیمت کتاب نسبت به شاخص کلی کالاها افزایش قابل ملاحظه ای را نشان می دهد.

جدول ۶. مقایسه رشد قیمت متوسط کتاب با دیگر شاخصهای اقتصادی در سالهای ۶۸ تا ۷۲

سال	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	قیمت
	۱۰۱۲	۱۰۹۱	۱۳۶۹	۱۷۳۱	۲۶۷۱	قیمت واقعی
	-	۱۰۷۹	۱۳۳۸	۱۷۶۲	۱۹۲۹	قیمت تطبیقی با شاخص مواد خوراکی
	-	۱۲۵۴	۱۳۹۸	۱۷۸۹	۱۹۶۴	قیمت تطبیقی با شاخص کلی کالاها

۶. رابطه قیمت کتاب با درآمد متوسط جمعیت

بنابر داده های جدول ۷، متوسط درآمد سالانه هر خانوار شهری برحسب انواع درآمد خالص در سال ۱۳۷۰ نسبت به سال ۱۳۶۸ تقریباً دوبرابر شده است، و حال آنکه این افزایش برای خانوار روستایی حدود ۱/۵ برابر بوده است.

جدول ۷. متوسط درآمد سالانه یک خانوار ایرانی برحسب انواع درآمد خالص در سالهای ۶۸ تا ۷۰

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	درآمد
	۱۴۶۷۴۳۶	۲۰۱۰۵۴۷	۱۸۴۰۸۲۶	شهری
	۱۰۱۲۲۸۴	۱۲۵۱۰۶۷	۱۵۶۳۱۲۵	روستایی

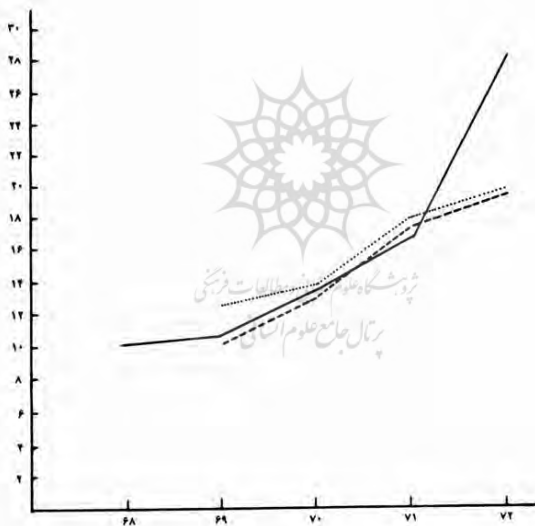
مأخذ: سالنامه آماری کشور ۱۳۷۱ (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۲)، ص ۵۲۲.

طبق مدارک مرکز آمار ایران، جمعیت کشور در سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۵۵۸۳۷۱۳۶ نفر بوده که اگر این رقم را متوسط جمعیت پنج ساله مورد بررسی تلقی کنیم می توان آن را مبنای محاسبات قرار داد. هر گاه ۸۱۴۱۲۸۵ نفر جمعیت ۰-۴ سال را از آن رقم حذف کنیم (سالنامه آماری کشور ۱۳۷۱)، کل مخاطبان کتابهای کودکان و نوجوانان و بزرگسالان به ۴۷۶۹۵۸۵۱ نفر بالغ می گردد. با توجه به کل قیمت کتابهای منتشر شده در طول برنامه پنجساله (۶۸ تا ۷۲) که بالغ بر ۳۰۳۵۵۱۳۷۲۲۰۰ ریال بوده است (سظور پیشین)، هر ایرانی درطول برنامه پنجساله مبلغ ۶۳۴۴ ریال صرف خرید کتاب کرده است (فرض بر این است که کلیه کتابهای منتشره به فروش

— قیمت واقعی

--- تطبیق با شاخص مواد سوراکی و دهانی

..... تطبیق با شاخص کلی کالاها



تصویر ۱. مقایسه قیمت کتاب با شاخص سایر کالاها در سالهای ۶۸ تا ۷۲

رفته باشد). به عبارت دیگر، هر ایرانی سالانه ۱۲۷۳ ریال برای خرید کتاب صرف کرده است، که این رقم حدود یک هزارم متوسط درآمد سالانه خانوار روستایی و چیزی کمتر از یک دوهزارم متوسط درآمد سالانه خانوار شهری بوده است (به داده‌های جدول ۷ رجوع شود).

تجزیه و تحلیل نهایی

با توجه به یافته‌های بررسی حاضر، در طول برنامه پنجساله ۳۷۰۵۷ عنوان کتاب منتشر شده است، یعنی به ازای هر ده هزار نفر ۷/۸ عنوان کتاب انتشار یافته است. با توجه به تیراژ کتاب در طول برنامه پنجساله (۲۴۸۹۵۶۸۵۹ نسخه)، سهم هر ایرانی از تیراژ کل کتابها پنج نسخه، یعنی سالانه یک نسخه کتاب بوده است، و بنا بر یافته‌های بخش پیشین هر نفر ۱۲۷۳ ریال در سال صرف خرید کتاب کرده است.

در مجموع نه تعداد عناوین، نه میزان تیراژ کتاب، و نه قیمت متوسط و نسبت آن با درآمد جمعیت چنان نیست که سهم قابل اعتنائی را در زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم به خود اختصاص دهد. گرچه قیمت کتاب در قیاس با شاخص برخی سالهای مورد بررسی نسبتاً بالاست، لیکن به دلیل کمی تعداد عناوین، در طول یک سال، خریداران کتاب سهم ناچیزی از درآمد خود را صرف کتاب می‌کنند. میانگین بسیار پایین تیراژ نیز، سرانه اندکی را نصیب هر فرد ایرانی می‌کند.

شعبه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بحث و نظر

آنچه در این بررسی مورد اشاره قرار گرفت در مقیاس کلان حکایت از آن داشت که نصیب هر ایرانی از کتابهای منتشره بسیار اندک است و هزینه‌ای که صرف خرید همان اندک می‌کند نیز بسیار ناچیز است. اما دو نکته در این زمینه حائز اهمیت است که اشاره به آنها بی‌مناسبت نیست: ۱. کشور چین از جمله کشورهایی است که می‌کوشد در عرصه نشر کتاب مقام اول جهان را برای خود کسب کند. در این کشور در سال ۱۹۹۴ نزدیک به ۶ میلیارد و دوست میلیون نسخه کتاب منتشر گردیده است؛ یعنی به ازای هر چینی ۵ نسخه کتاب در سال انتشار یافته است. در همین سال، هر چینی به طور متوسط یک دلار و چهل سنت صرف خرید کتاب کرده که این رقم دو برابر پولی است که هر چینی در سال ۱۹۹۰ برای خرید کتاب پرداخته است. (۵)

مقایسه این آمارها با یافته‌های بررسی حاضر نشان می‌دهد که هر ایرانی $\frac{1}{6}$ یک نفر چینی از کتب منتشره نصیب برده است. اما علی‌رغم این امر، هر گاه متوسط سرانه پرداخت پول کتاب در چین را - با توجه به ارقام فوق - یک دلار در طول سالهای ۹۰ تا ۹۴ فرض کرده، و قیمت متوسط

دلار را در طول برنامه پنجساله ۲۰۰۰ ریال برآورد کنیم؛ هر ایرانی به ازای پرداخت ۱۲۷۳ ریال (سطور پیشین) یک کتاب خریداری کرده و حال آنکه یک چینی با ۲۰۰۰ ریال می‌توانسته ۵ کتاب خریداری کند. به عبارت دیگر، قیمت نسبی کتاب در چین در آن دوره زمانی حدود ۴۰۰ ریال بوده است.

چین به دلیل جدی گرفتن حرکت‌های فرهنگی، ایجاد تسهیلات در دستیابی مردم به کتاب را در صدر برنامه‌های فرهنگی خود قرار داده و عملکرد آن در آمار و ارقام فوق نیز متجلی است. بنابراین، در کشور ما نیز جا دارد دولت سیاستی جدید برای همگانی کردن کتاب و کتابخوانی پیشه کند. در چین ۵۴۸ سازمان بزرگ انتشاراتی دولتی فعالیت می‌کنند که تنها در سال ۱۹۹۴، تعداد ۱۰۴۷۰۰ عنوان کتاب منتشر کرده‌اند (۶) (مقایسه کنید با ۳۷۰۵۷ عنوان کتاب در طول پنج سال در ایران).

۲. گرچه قیمت کتاب در ایران - همان‌گونه که گذشت - در مقیاس کلان گران نیست، لیکن به دلیل آنکه قشر محدود خریداران کتاب عمدتاً متعلق به گروه‌های کم درآمد جامعه هستند، قیمت کتاب در مقیاس خرد برای این نوع خریداران گران می‌نماید. در "میانگین‌های آماری معمولاً درآمدهای پایین در سایه درآمدهای بالا پنهان می‌ماند، و حال آنکه در خرید کتاب، به عنوان امری "واقعی"، خریدار کتاب مشخصاً قیمت کتاب را با درآمد اندک خود می‌سنجد. اعتراض به گرانی کتاب نیز توسط همین گروه صورت می‌گیرد؛ چه دارندگان درآمد بالا عمدتاً در اقلیمی دیگر می‌زیند و گرانی یا ارزانی کتاب چندان دغدغه خاطر آنان نیست.

نتیجه و پیشنهاد

از مجموع یافته‌های بررسی حاضر می‌توان چنین نتیجه گرفت که قیمت کتاب در قیاس با شاخص کلی کالاها چندان بالا نیست و در مواردی حتی ناآزتر است. در قیاس با درآمد سرانه خانوار نیز این قیمت بسیار پایین است. بدیهی است که این نتایج براساس یک سلسله محاسبات آماری کلان حاصل می‌گردد. ولی در مقیاس خرد ممکن است این قیمت‌ها با توجه به درآمد خریداران کم درآمد نسبتاً گران بنماید.

با توجه به این امر، دولت به عنوان حرکتی فرهنگی می‌بایست گام‌هایی در این زمینه بردارد تا خریداران اصلی - یعنی قشر کم درآمد جامعه - به کتب دلخواه خود به گونه‌ای سهلتر دست یابند. برای تحقق چنین امری می‌توان برنامه‌هایی را در دستور کار قرار داد:

۱. با تعویب، گسترش، و افزایش کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور و نقاط مختلف شهری، امکان دسترسی رایگان یا ارزان به کتاب فراهم گردد.

۲. نرخ کتاب برای اشخاص حقیقی و حقوقی تفاوت یابد. به عبارت دیگر، با چاپ کتاب در دو شکل متفاوت، نرخ کتاب برای افراد کاهش و برای سازمانها افزایش یابد.
 ۳. به عنوان جامعه‌ای که به فرهنگ و فعالیتهای فرهنگی ارجح می‌نهد، لازم است در ایران کتاب همسنگ نان و قند و شکر و امثال آن، جزو کالاهای اساسی تلقی شود و دولت برای آن یارانه قابل توجهی بپردازد و در جهت گسترش آن سرمایه‌گذاری کند.
- برای انجام پژوهشهایی در آینده نیز می‌توان توصیه‌هایی ارائه داد؛ از جمله اینکه؛
- تحقیقی میدانی با استفاده از نمونه‌گیری صورت گیرد و قیمت کتاب یا درآمد خریداران واقعی کتابها سنجیده شود.
 - مطالعه‌ای تطبیقی میان قیمت کتاب در ایران و چند کشور دیگر - با توجه به شاخصهای اقتصادی کشورها - صورت گیرد و نتایج آن با یافته‌های بررسی حاضر یا مطالعات مشابه سنجیده شود.
 - از دیدگاه روانشناسی اجتماعی بررسی شود که عوامل مؤثر در تلقی مردم از گرانی کتاب چیست و این گرانی را معمولاً با چه عوامل دیگری می‌سنجند. ■

یادداشتها

۱. محمد حسن ناصرالدین صاحب الزمانی. اقتصاد بیمار کتاب. تهران: عطائی، ۱۳۴۷.
۲. کتابنامه تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سالهای ۶۸ تا ۷۲.
۳. سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۱. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۲، ص ۵۳۳.
۴. همان.
۵. ایران، اول اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۴.
۶. همان.